

# Mirza Font Testing Document Mirza-Regular.ttf 7 pt

February 25, 2016

## خوشنویسی

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش نویس نام دارد، به‌خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه‌ی ی شخص باشد. گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است، به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن، سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند.[۱] از این رو خوشنویسی با نگارش سادهٔ مطالب و حنا طراحی حروف و صفحه‌آرایی متفاوت است. همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تابوگرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و گارهای چاپی است متمایز کرد. خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است. خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهندهٔ آن. تعادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و بویایی و تغییر شکل یابندگی آن از سوی دیگر؛ تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد. اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص، و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر، برخوردارند. آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود. در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده‌است و هر حرف به صورت یک «مدول» ثابت درمی‌آید که تخطی از آن به‌منزله نادیده گرفتن توافقی چندصدساله‌است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت طرفین حاصل می‌آمده‌است. حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مابین مشخصی تعیین می‌شده که در «رسم‌الخط»ها و «آداب‌المشق»ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شده‌است. قرارگیری کلمات نیز- یعنی «کرسی»- هر سطر هر چند نه به صورت کاملاً پیش‌بینی و تکلیف شده - که ناممکن بوده‌است - اما به‌شکل «سلیقه مطلوب» زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده‌است.

خوشنویسی اسلامی خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی خاص داشته‌است. زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند. آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها به کار می‌بردند.[۵] خوشنویسی یا خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است. مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند مجوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده‌است. خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده‌است. قدیمی‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی‌طالب منسوب است. پس از قرن پنجم هجری، خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه‌دار خط کوفی منحنی و قوس‌دار است.[۶] در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقفله بیشاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط شکسته یا اقلام سته معروف شدند که عبارتند از:ا: محقق، ریحان، ثلث، نسخ، رقاع و قویع. که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می‌باشد. همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که به اصول دوازده گانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از: ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، نزول مجازی، اصول، صفا و شان.[۷] یک قرن بعد از این مقفله، ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود.[۸]

خوشنویسی ایرانی درحالی که عمدهٔ تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده‌است، رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند. هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه، افغانستان، پاکستان و هند می‌باشد. در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است. در ایران پس از فتح اسلام، خطاطی به شیوهٔ نسخ وجود داشت. در زمان حکومت ایلخانیان، اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقش‌های تزئینی زینت یافت. در زمان حکومت تیموریان در ایران، خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید. میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق، خط نستعلیق را بنیان نهاد. مشهورترین خطاط قرآن در این دوره یایسنقر میرزا بود.[۹] آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار، قطعات ظریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و به کار رفته‌است. این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته‌است. هرچند آنان نیز برای امور منشی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر به کار می‌بردند، اما اوج هنرتمایی آنان - بر خلاف خوشنویسان ایرانی- در خط ثلث و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل ردیاب است. در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتیبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد. هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند. خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست. خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم پا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاع به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود. که بعدها به وسیله خواجه عبدالرحی منشی استر ابادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد.[۱۰] پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود. در قرن هشتم میرعلی تبریزی (۸۵۰ هجری قمری) از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نسخ‌تعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد. این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید.[۱۱] و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید. خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند. در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه، افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان (که ضلق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند) رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد. بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست. در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالصی ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد. علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور منشی‌گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست. همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق، ایرانیان به‌خاطر سرعت در کتابت، شکسته تعلیق آن‌را نیز بوجود آوردند.[۱۲] درویش عبدالمجید طالقانی این خط را به کمال رساند. در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد. از یک سو با تاکید و توسعه سیاه‌مشق‌نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد. در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی خط را از کنج کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریانات هنری مدرنی شیوه‌هایی چون نقاشیخط را به‌وجود آوردند که کماکان مورد توجه محافل هنری جهان است. در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۳۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت. همچنین خطی به نام معلی در سال‌های اخیر با تاثیر از خطوط اسلامی - ایرانی ثلث و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید عجمی ابداع گردید که تاحدی مورد استقبال قرار گرفت. آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می‌توان به ابداعات خوشنویسی سحجان مهرداد محمدپور اشاره کرد ، خط سحجان یک خط قانونمند همانند نسخ و ثلث بوده و قابلیت کتابت و کتیبه نویسی فارسی و عربی را دارا می باشد و آن را در دسته ی خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند.

فن الخط فی الخط وهو نوع من الفنون البصرية، وهو غالیا ما يطلق على فن الكتابة (Mediavilla) (۱۷). والتعريف المعاصر للممارسة فی الخط العربي هو "فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معبرة، ومتناغمة، وماهرة" (Mediavilla) (۱۹۹۶: 18). قصة الكتابة هي واحدة من التطور الجمالي متعدد فی إطار المهارات التقنية، وسرعات الانتقال وتحديد المواد، الزمان والمكان من الشخص (Diringer) (۱۹۶۸: ۴۱). ويوصف نمط معين من الكتابة بأنه نصي، أو نسخ أبجدي (فيريز و Kwiatkowski ۲۰۰۶ ؛ جونستون ۱۹۰۹: بلايت ۶). يتراوح الخط الحديث من كتابات وتصاميم خط البید الوظيفی إلى القطع الفنية حيث التعبير المجرد للعلامات المكتوبة بخط اليد التي قد تحل أو لا تحل محل قراءة الحروف (Mediavilla) (۱۹۹۶). يختلف الخط العربي الكلاسيكي عن الطباعة وعن خط اليد الغير تقليدي، وإن كان الخطاط قد يبتكر كل هؤلاء ، وهي تاريخيا حروف منمنمة ومع ذلك سلسلة وتلقائية ومرتجلة في لحظة الكتابة (بوت ۲۰۰۰؛ Zapf ۲۰۰۵؛

۲۰۰۷ء و ۲۰۰۶ء)۔ و یستمر الخط العربي في الأزدهار في أشكال دعوات الزواج والأحداث، وتصميم بنط / الطباعة، وتصميم الشعار باستخدام خط النسخ، والفن الديني، والإعلانات / التصميم الجرافيكي / وفي الخط، والنقش على القطع الحجرية ووفيقه العزاء، ويستخدم أيضا من أجل الأثاث والصور المتحركة للسينما والتلفزيون، والشهادة في القضايا، وشهادات الميلاد والوفاة، والخرائط، وغيرها من الأعمال التي تنطوي على الكتابة.

الأدوات الآداة الرئيسية في فن الخط هو القلم، مشطوف الرأس والمذنب و الريشة. وهناك المخبره عبارة عن حبر زيتي القوام يستخدم في الكتابة. وكذلك من ادوات الخط الورق عالي الجودة.

الفنون البصرية الفنون البصرية هي الأشكال الفنية التي تركز على إنشاء الأعمال التي هي في المقام الأول مرئية في الطبيعة، مثل الفنون التشكيلية التقليدية (الخرف، الرسم، الرسم الفني،النحت،العمارة، والطباعة)، الفنون البصرية الحديثة (التصوير الفوتوغرافي، الفيديو وصناعة الأفلام)، والتصميم والحرف اليدوية. العديد من التخصصات الفنية (الفنون المسرحية، فنون اللغة، فنون النسيج وفي الطهي) تنطوي على جوانب من الفنون البصرية، بالإضافة إلى أنواع أخرى، وبالتالي فإن هذه التعريفات ليست دقيقة. والمفهوم المتغير. الاستخدام الحالي لمصطلح "الفنون البصرية" يتضمن الفنون الجميلة بالإضافة إلى الحرف اليدوية، ولكن هذا ليس هو الحال دائما. قبل حركة الفنون والحرف اليدوية في بريطانيا وأماكن أخرى في مطلع القرن 20th "الفنان التشكيلي" يعود على الشخص الذي يعمل في مجال للفنون الجميلة (مثل الرسم، النحت، أو الطباعة) وليس مجال الاشغال اليدوية والحرفية، أو من يطبق ضوابط الفن. وأكد التمييز من قبل فنانين من مجال الفنون والحرف الحركية الذين يقدرون أشكال الفن العامة بقدر الأشكال الامعة. الحركة تتناقض مع المحترزون الذين سعوا لحجب الفنون العالية عن الجماهير من خلال إبقائها مقصورة على فئة معينة من الناس. [بحاجة لمصدر] مدرسة الفن تفرق بين الفنون الجميلة والحرف اليدوية في مثل هذه الطريقة التي لا يمكن اعتبار الحرفيين ممارسون للفن.

فن الكمبيوتر الفنانين البصريين لم يعد يقتصر عمله على وسائل الفن التقليدي. أجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون البصرية من سهولة [O/،O] أو قالب:DN، للتحريك، لاستكشاف مكونات متعددة، للطباعة (يما في ذلك الطباعة ثلاثية الأبعاد. فن الكمبيوتر هو أي فن يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني. هذا الفن يمكن أن يكون صورة، صوت، صور متحركة، فيديو، أقراص مضغوطة، دي في دي، لعبة فيديو، موقع، خوارزمية، آداء، أو تثبيت معرض رسوم. العديد من التخصصات التقليدية الآن تقوم بدمج التقنيات الرقمية و، نتيجة لذلك، الخطوط بين العمل التقليدي للفن وعمل الوسائل الجديدة التي تم إنشاؤها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت غير واضحة. على سبيل المثال، الفنان قد يجمع بين الرسم التقليدي مع الفن الحسائي وغيرها من التقنيات الرقمية. نتيجة لذلك، تحديد فن الكمبيوتر بواسطة منتجها النهائي يمكن أن يكون صعبا. ومع ذلك، هذا النوع من الفن قد بدأ بالظهور في المتاحف والمعارض الفنية، على الرغم من أنه لم تثبت شرعيتها بعد بوصفها شكلا قائما بذاته وهذه التكنولوجيا على نطاق واسع في الفن المعاصر تعتبر كأداة أكثر من أنها شكلا من أشكال الفن كما هو الحال مع التصوير الزيتي. استخدام الكمبيوتر حجب الفرق بين الرسامون، المصورون، محررين الصور، النماذج ثلاثية الأبعاد، وفنانو الحرف اليدوية. برامج التحرير والتقديم المتطورة أدت إلى تعدد مهارات مطوريين الصور. قد يصبح المصورين فنانين رقميين قد يصبح الرسامين صانعو رسوم متحركة. الحرف اليدوية قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام الكمبيوتر لتوليد الصور كقالب. استخدام مقاطع الكمبيوتر الفنية جعلت التمييز الواضح بين الفنون البصرية ومخطط الصفحة أقل وضوحا بفضل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة، وخاصة للمراقبين الذين يفتقرون للبراعة.

آرت آرٹ ایسے کم یا کمال نوں آکھیا جاندا اے جیدے وچ چیزاں نون نشاناں نال اینج دسیا جاندا اے جے اوہ سونپیاں لگن  ارت دی بنی شئ کوئی کہانی دسدی اے یا صرف کوئی سوبنا سج یا مسوس ہون والا جذبہ  انسانیکوپیدیا بریتانیکا آرٹ نون اینج دسدا اے،" اوہ سونپیاں شیواں، محول، یا تجربیاں جنہاں نون دوجیاں نون وی دسیا جا سکے تے جنہاں دے بنان وچ سوچ تے گر نون ورتیا کیا ہوئے"  ایٹھے آرٹ وچ مورٹاں (Painting) بنی بنانا(Sculpture)، تے فوٹوگرافی آندے نیں  آرکینیکچر نون وی ویکھے جان والے آرٹ وچ کتیا جاندا اے پراویدے وچ اوس شے تے کم لینا اویدے بنان دا مذہب ہوندا اے  موسیقی، تعمیر، فلم نون آرٹ نال رلایا جاسکدا اے  آرٹ فلاسفی دی اک ونڈ اے جیدے وچ ایدی اصل ایذا بنانا تے ایہنوں دسدا آندے نیں  آرٹ اک ول یا راہ اے انسانی سوچ یا جذبے نون دسں یا کسے ہور تک اپڑاں لئی  ارسطو دی فلاسفی وچ آرٹ اک ودیا تے آتبدیل نقل (Mimesis)  اے  لمو لالسنائی ایہنوں اک بندے نون دوجے بندے تک گل اپڑاں دا پتھا ول کیندا اے  مارٹن ہائیڈگر دی اکھ  وچ آرٹ اک ایسا ول اے جیدے رابیئ کوئی سنگت اپنا آپ دسدی اے

تريخ وينس ولندورف آرٹ دے سب نون پرائے نمونے پتھر ويلے نون لبدے نیں وينس ولندورف 24,000 نون 22,000 م پ دی اک زناتی دہی پتھر دی بنی مورتی اے جیہڑی آسٹریا نون لپی سی  لائسکو، فرانس وچ زمیں دے اندر غاراں وچوں 17,300 ورے پرانیاں جانوراں تے انساناں دیاں مورتاں کنداں تے بنیاں ملیاں نیں  ایہناں وچ انسان شکار کړدا دسیا کیا اے  وشکارولہ پتھر ویلہ 6000-8000 م پ لنگان تے ڈیولنکھ ویلے 3000-6000 م پ وچ انسان تے وائی بیجی تے اک تھال تے تک کے ربتا سکھیا، ربٹلاں کتجلیاں ہویاں تے مذہب تے وی ماننا پاتی تے انسان تے اپنے فیدے لئی بھ نال کئی چیزاں بنایاں سکھیاں تے فیر گانسی ویلے 1000-3000 م پ وچ پہلیاں انسانی ربٹلاں ہونکریاں  پرائے مصر، پرائے عراق، فارس، بڑے ربٹل، چپر، پرائے یونان، روم تے اٹکا تے ملایا دیاں ربٹلاں تے اپنیاں آرٹ دیاں ربٹلاں اپنیاں ضرورتاں تے اپنے کول ہون والیاں شیواں نون بنایاں  آرٹ اودوں لکھائی دے بنس نال خُردا اے  لکھائی اپنے مذہ ویلے نون تے تیار دے کم نون سوکھا تے لین دین نون یاد رکھی لئی بنی  لکھائی پہلے مورٹاں نال تے فیر واڑاں نون نشاں دے کے تے اوبہاں نون جوڑ کے بنائی جاندی اے

پراڻا عراق پرائے عراق دا آرٹ دجلہ تے فرات دے دریاواں دے وشکار 6 ہزار ورے پہلے نون اوتھے ہونکرن والیاں اشوری، سمیری، کالدی، ربٹلاں وچ بنیا  ایٹھوں دے آرکینیکچر وچ ات تے ذات دا ورنس سی تے ایدے نال زکورت، مندر تے وکھریاں پدھراں والے برم بنائے کئے  محلاں وچ وکھریاں پدھراں تے سونپے رکھ لائے کئے جیہڑے پرائی دنیا دیاں 7 نوپکلیاں شیواں وچوں  س  بتی بنان دا ول لکڑ نون چھل کے تے نقش دیکی پتھر نال بنیا تے ایہناں نال مذہبی، شکاری تے فوجی وکھالے انساناں تے جانوراں نال بنائے جاندے  سی  سمیری ویلے وچ نکیاں بنیاں جتان دے کبارے دکھے، رنگے پتھر دیاں، کتجے سر تے چھانیاں تے بھ سج  اکادی ویلے دیاں بیتیاں دے سر دے وال لمے تے دازیاں سں جیویں نارام سیں  عموری ویلے دیاں بیتیاں نون لاگاش کڈیا وچ سمجیا جاسکدا اے جیدے گڈیا تے چادر سر تے نویی تے بھ چھائی تے رکھے نیں  اشتر بوا جیہڑا بابل وچ 575 م پ وچ بنایا گیا سی بابل دے ارکینیکچر ارت دی ودی نشانی اے تے ایذا کج حصہ پرگامون میوزیم، برلن وچ  ئے  گیول شیریئ 5000 ورے پرائی لائم پتھر دی بنی اک مورتی اے  عراق وچ ایہ اودوں بنی جدوں ہیمہ تے لکھن دا ول بنے کئے  دکھنی عراق وچ ارک وچ گول پیپ ورگیاں مہراں تے بنیاں مورتاں کہانی سناندا اک نویکلا ول  سی  ایہ مہراں پتھر مٹی یا کسے ہور شے دیاں وی بنیا ہوسکدیاں  سں  رات دی رائی عراق چوں لپی کوئی 3800 ورے پرائی پتھر تے بنی عورت دیوی دی بتی اے جیدے پیر پنجھی ورکے دوائے ہر، سچے کھسے شیر تے الو نیں  کڈیا بتی 2144 - 2124 م پ ورے پرائی اے  ار دا سینڈرڈ، گھڑی بکری، تانبہ بلد تے گدھ دی یادگار پرائے عراق دے آرٹ دیاں متیاں ہرمینیاں نشانیاں نیں  لکھائی دا ول بنن نال پرائے عراقی لکھتاں وچ وی اپنے آپ نون دسدے نیں  گلگامش 17 صدی م پ وچ لکھی گئی ایدے وچ سمیری تے اکادی دیوتاواں دیاں کہانیاں نیں  انرابسس، اکادی ویلے دی اک لکھت اے جیدے وچ بزآن دی کہانی دسی گئی اے  بابل دیاں لکھتاں وچ سب نون مٹی ہرمئی لکھت لئوما البش اے جیدے وچ ایس کائنات دے بنی دی کہانی دتی گئی اے

پراڻا مصر ملکہ نیفریتیختی پراڻا مصری آرٹ 5000 م پ نون لے کے 300 تک دے ویلے تک پھیلی ہوئی مصری ربٹل دی نشانی اے تے ایھدے وچ مورتاں، بنیاں، آرکینیکچر تے رلدیاں چیزاں آندیاں نیں  ایہ مصری آرٹ پرانیاں قبرباں تے یادگاری تختاواں نون لمپا تے اینج ایدھے وچ مرن مگروں جیون تے پرائی جانکاری نون بچاں تے زور اے  ایہ آرٹ 3000 م پ نون لے کے تیجی صدی تک تے اچیچے دوسرے تے تیسرے تیر ویلے وچ  بنیا  3000 ورے دے لمے ویلے وچ ایذا تے بنان دا کوئی اثر ناں ہیا تے جس ودیا ول نال ایہ تریا تے بنایا گیا انت تک انج دا ای ریا  ایس ویلے دا متیا آرنسٹ ہیپلو پاکسو مصری آرٹ نون اثر لیندا اے  مصر اک سگا دیسی یون باجوں ایٹھے بنیاں مورتاں تھیک ملیاں نیں  مصر دیاں بیتیاں وچوں سب نون چوکھیاں جانیاں جان والیاں رامسیس II،

اخذائون، نیفریتمیتی، اوسکورن، II، امپونپ، III، منکار نے تنخامون نیں مصری پانڈے پتھر توں لے کے منی نال بندے سن نے اوبنے تے کالے یا رنگے نقش بنے بوندے سی ایہناں وچ عام کر وچ ورتی دے پانڈے مرتیاں، کڑے نیں مصری مندران، محلاں، برماں، قبران، تے بور کونھیاں توں بنان وچ ات، لائم پتھر، ریتلا پتھر تے گرینائٹ ورتے گئے لکڑ تھوڑی ہون باجوں ایدا ورتی تھوڑا اے خوفو دا ابرام، ابوالہول، کزناک، لکسر، ادفو دے مندر ایدے وڈے ادھارن نیں مصری لکھناں تے مورثا بنان لئی پیپائرس ورتدے سن ایہ اک ہونے توں بنایا جاندا سی ایدیاں نشانیاں مصر دے سکے موسم وچ رہ گیا بور کلاسیکی دنیا وچ وی ایدا ورتی سی پر پر کتے بور نال ریتاں

پران یونان پرانا یونانی آرٹ بتیاں، آرکیٹیکچر، پانڈے تے مورثا وچ دسد اے تے ایس نے یورپ تے ایشیا، وچ پاکستان تک اپنے رنگ چھڈے نیں یونانی پانڈے وکھریاں ویلیاں وچ وکھریاں ولان تے نمونیاں وچ بندے سی پانڈے جناں وچ مرتیاں تے پلیناں تے عام زندگی دیاں مورثا بنیاں ہوندياں سی یونانی آرکیٹیکچر اپنی شان، سادگی تے سونپن وچ اپنی ادھارن آپ اے پرگاموں، پارٹھیٹن، بیفسٹنی دا مندر ویکھی والیاں نشانواں نیں مانلو دی وینس، سیموتھیرس دی نائیکے، یونانی بتیاں دیاں ودیا ادھارن نیں

دکھنی ایشیا، دکھنی ایشا، وچ آرٹ دی ریت بزہ، ریتل توں تڑی ہوئی اچ دے ویلے تک اپدی اے بانڈے بتیاں آرکیٹیکچر، مورثا تے ایہ آرٹ ویکھیا جاسکدا اے مہنچودازو دی نچدی کڑی، پنڈت بادشاہ، میراں جنہاں نے ہاتھی بلد تے سواسنیکا بنے ہوئے سن، تے منی دے وڈے مرتیاں تے پانڈیاں تے مورثا اوس ویلے دے آرٹ دا وکھالہ نیں بت بنانا ہندو جین تے بدھ مت دی ریت رتی اے اجننا دے غار پرائی ہندستان پئی دی اک ودیا تھان اے ہندو ہزاراں وریاں توں اپنے دیوی دیوتاواں وشنو،شیوا، لکشمی، کنتی، بنومان، اندرا،رام تے سرسوتی دیاں مورثا تے بتیاں بنا کے مندران تے کران وچ رکھدے آئے نیں اتلے پنجاب وچ گندھارہ بدھ مت دے ارکیٹیکچر دی وڈی تھان سی ایہ بتیاں بدھ تے اودے جیون دے دوالے نیں تے ویلے نال ایہناں دے بنان وچ تبدیلیاں آئیاں تے یونانی رنگ وی دسدا اے مغل راج ویلے ایرانی رنگ موراں وچ دسدا اے مغل راج ویلے دیاں مورثا مغل بادشاہواں تے اوہناں دے جیون دے دوالے ای بنیاں نیں کانگڑہ راجپوت تے پنجاب مورثا بنان دے مغلاں مگروں وکھرے سکول سی مورثا دے ول توں انگریزاں تے آکے اپنا رنگ وی چارپا قطب مینار قلیادین ایہک دی جت تے دلی وچ بنایا گیا اک مینار اے ارکیٹیکچر وچ پرائے قلعیاں مندران دے مگروں مغل ویلے وچ مغل آرکیٹیکچر ہندستان دی پہچان بندا اے تاج محل، بادشاہی مسجد، شالامار باغ، شاہی قلعہ مغل آرکیٹیکچر دے کج نشان نیں

اسلامی خطاطی اسلامی خطاطی: یہ ایک فن ہے، جو لکھنے سے تعلق رکھتا ہے بالخصوص عربی حروف، خوبصورت انداز میں لکھنے کا فن [1] اس فن کو اسلام سے جوڑدیاگیا، اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مقبول ہوتا ہے اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریر اور تحفظ، اس فن کو فروغ ہونے میں کامیابی ملی [2] یہ فن عربی زبان ہی میں نہیں بلکہ، فارسی، ترکی، اردو، آذری زبانوں میں بھی عام ہے

خطاطی، بحیثیت اسلامی فن، کافی سراہی گئی مذہب اسلام کے ماننے والے دنیا کے مختلف ممالک میں ہیں، اور مختلف زبانیں بولتے ہیں یہ فن، مسلمانوں کی مختلف زبانوں کو جوڑنے کا کام کیا ہے عربی، فارسی، اردو، سندھی، آذربئی، ترکی وغیرہ زبانوں میں بھی یہ فن مقبول ہوا قرآن کی کتابت میں یہ فن بہت ہی کارآمد رہا چھاپہ مشین ایجاد ہونے سے پہلے، گاہک حضرات ہی ان زبانوں میں کتابت اور اشاعتوں کا بیڑا اٹھایا عثمانیہ دور میں ’دیوانی‘ خط عروج میں آیا دیوانی خط کا ایک روپ ’جلی دیوانی‘ یا ’دیوانی الجالی‘ نے رفتہ رفتہ، ’رقع‘ خط کا ارتقاء ہوا اشیاء خطاطی[ترمیم] رواجی طور پر خطاطی کے لیے، قلم، دوات اور رنگ اہم ہیں \* قلم: خطاطی کے لیے مخصوص قلم بنائے جاتے ہیں ”برو“ یا ”بائس“ یا ”ہمسو“ کے قلم مشہور ہیں قلم کی نوک، حروفوں کی چوڑائی کے مطابق بنائے جاتے ہیں حروف جتنے چوڑے، قلم کی نوک اتنی چوڑی \* دوات: دوات، شئی، اور ہمہ قسم کے رنگ بھی استعمال ہوتے ہیں خطاطی سکھانے کے کئی مراکز بھی ہیں شہر حیدرآباد دکن میں، اردو اکیڈمی، انجمن ترقی اردو، عابد علی خان ٹرسٹ، آج بھی خطاطی میں ٹریننگ دے رہے ہیں

مساجد اور خطاطی[ترمیم] اسلامی ”مسجد خطاطی“ یہ بھی اسی فن کا ایک جز ہے مسجدوں کی، میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ہے مساجد میں قرآنی آیات، میناروں پر کندیوں پر، اندروں گنبد پر قرآنی کلمات کا لکھا جانا فن تعمیر-فن خطاطی کا ایک مرکب ہے

عبارت بسم اللہ الرحمن الرحیم، اور اللہ - محمد صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم ، مساجد میں لکھنا ایک عام رسم ہے ان کے علاوہ، قرآنی آیات کا لکھا جانا بھی عام ہے

عربی زبان عربی (العربية al-ʿArabīyah یا عربی/لغة عربية ʿArabi ), سامی زبانوں میں سب سے بڑی ہے اور عبرانی اور آرامی زبانوں سے بہت ملتی ہے جدید عربی کلاسیکی عربی زبان( فصیح عربی یا اللغة العربیة الفصحی ) کی تھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ہے فصیح عربی قدیم زمانے سے ہی بہت ترقی یافتہ شکل میں تھی اور قرآن کی زبان ہونے کی وجہ سے زندہ ہے فصیح عربی اور بولے جانے والی عربی میں بہت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی ہے جیسے بولے جانے والی اردو اور ادبی اردو میں فرق ہے عربی زبان نے اسلام کی ترقی کی وجہ سے مسلمانوں کی دوسری زبانوں مثلاً اردو، فارسی، ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ڈالا ہے اور ان زبانوں میں عربی کے بے شمار الفاظ موجود ہیں عربی کو مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ہے اور تمام دنیا کے مسلمان قرآن پڑھنے کی وجہ سے عربی حروف اور الفاظ سے مانوس ہیں عربی کے کئی لہجے آج کل پائے جاتے ہیں مثلاً مصری، شامی، عراقی، حجازی وغیرہ مگر تمام لہجے میں بولنے والے ایک دوسرے کی بات بخوبی سمجھ سکتے ہیں اور لہجے کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے یہ دائیں سے بائیں لکھی جاتی ہے اور اس میں ہمزہ سمیت 29 حروف تہجی ہیں جنہیں حروف ابجد کہا جاتا ہے (Arabic language)

حروف تہجی حروف تہجی سے مراد وہ علامتیں ہیں جنہیں لکھنے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے اکثر زبانوں میں یہ مختلف آوازوں کی علامات ہیں مگر کچھ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں بھی استعمال کیے جاتے ہیں بعض ماہرین لسانیات کے خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا فنیقی لوگوں نے حروف کو استعمال کیا بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں بعض ماہرین ان کی ابتدا، کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لیے گئے ہیں جنہیں حروف ابجد بھی کہا جاتا ہے ان کی پرانی عربی ترتیب کچھ یوں ہے ابجد ہوز حطی کلمن سعفس قرشت ثخذ ضظغ انہیں حروف ابجد بھی کہتے ہیں علم جفر میں ان کے ساتھ کچھ اعداد کو بھی منسلک کیا جاتا ہے جو کچھ یوں ہیں

اس طریقہ سے اگر بسم اللہ الرحمن الرحیم کے اعداد شمار کیے جائیں تو786 بنتے ہیں بعض اہل علم ہمزہ (‘ہ‘) کو بھی ایک الگ حرف مانتے ہیں اس حساب سے پھر عربی کے اتنیس حروف تہجی بنتے ہیں اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے علاوہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں اردو میں ہمزہ سمیت کل 37 حروف ہیں اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی ظاہر کی جاتی ہیں مثلاً کھ، بھ وغیرہ اردو میں فن تاریخ گوئی کی صنف موجود ہے جس میں اشعار یا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی تاریخ برآمد کی جاتی ہے اردو میں حروف کے اعداد حروف ابجد جیسے ہی ہیں اضافی حروف کے لیے بھی انہی سے مدد لی جاتی ہے مثلاً’پ‘ کے اعداد’ب‘ کے برابر، ’د‘ کے اعداد’د‘ کے برابر، ’ک‘ کے اعداد’ک‘ کے برابر اور ’ئے‘ کے اعداد’ی‘ کے برابر شمار کیے جاتے ہیں